حادثه

سقوط هواپیمای نظامی در کبودرآهنگ

معاون سیاسی و امنیتی استاندار همدان از سقوط یک فروند هواپیمای نظامی در شهرستان کبودرآهنگ خبر داد. حمزه امرایی گفت: این هواپیما ساعت ۱۰:۳۰ چهارشنبه در بخش شیرین‌سوی کبودرآهنگ سقوط کرد. در هواپیما یک خلبان و یک کمک‌خلبان حضور داشتند که پیش از سقوط خود را نجات دادند.

نجات

نجات ۳ بیمار با یک تصمیم بزرگ

خانواده مردی که دچار مرگ مغزی شده بود اعضای بدن او را به ۳ بیمار نیازمند اهدا کردند. این مرد ۴۸ ساله که عبدالله راشدی جانکی نام داشت و اهل لردگان در استان چهارمحال و بختیاری بود، بر اثر خونریزی مغزی دچار مرگ مغزی شده بود که پس از تأیید مرگ مغزی، خانواده‌اش کبد و کلیه‌های او را اهدا کردند.

صفحه‌آرا: مهرداد هاشمیان

بسته خبری خارجی

مرگ ۷۶نفر در آتش‌سوزی هتل پیست اسکی

به‌دنبال مرگ ۷۶نفر در آتش‌سوزی هتل گرند کارتال در پیست اسکی بولو در ترکیه، ۴نفر دستگیر شدند.
به گزارش همشهری به نقل از آسوشیتدپرس، این آتش‌سوزی در ساعت ۳:۳۰صبح سه‌شنبه به وقت محلی رخ داد. محل حادثه هتلی در ارتفاعات کوراوغلو در استان بولو بود که در کنار پیست اسکی ساخته شده و خانواده‌های زیادی در آنجا اقامت داشتند. یکی از شاهدان گفت که آتش‌سوزی چنان غافلگیر کننده بود که حتی برخی از والدین مجبور بودند فرزندان خود را از پنجره به بیرون پرت کنند. آنها از کسانی که بیرون هتل بودند بالشت یا چیزی شبیه آن می‌خواستند تا بتوانند فرزندان خود را روی آن پرت کنند و نجات دهند.
یکی از افرادی که در هتل بود گفت ما خواب بودیم که با بوی سوختگی و دود از خواب بیدار و متوجه آتش‌سوزی در هتل شدیم. از آنجا که مسیر راهروها به‌خاطر نفوذ آتش مسدود شده بود، بسیاری از مردم با استفاده از ملحفه‌ها، طناب ساخته و تلاش می‌کردند خودشان را از پنجره نجات دهند. به گفته مدیر هتل، این هتل در زمان آتش‌سوزی ۲۳۰مهمان داشته است. براساس این گزارش، فاصله زیاد بین هتل و مرکز شهر و همچنین هوای سرد منطقه باعث شد که آتش‌نشانان دیر به محل حادثه برسند. در این حادثه ۵۳نفر مصدوم شدند و به گفته پلیس ۴نفر بازداشت شدند و تحت بازجویی هستند.

نوه بی‌رحم

دستگیری جوانی که مدعی است مادربزرگش را به‌خاطر خدا قربانی کرده از دیگر خبرهای حوادثی رسانه‌های دنیا در روز گذشته بود. به گزارش واشنگتن پست، صبح ۱۷ژانویه، پلیس واشنگتن دی‌سی از طریق یک تماس تلفنی در جریان قتل یک زن سالخورده قرار گرفت. قاتل نوه او بود که پس از جنایت، عکس‌هایی از صحنه قتل مادربزرگش گرفته و برای سایر اعضای خانواده فرستاده بود. با این تماس، پلیس راهی محل جنایت شد و نوه مقتول به نام کریستوفر را دستگیر کرد. او که با ۱۳ضربه چاقو مادربزرگ خود را به قتل رسانده است به ارتکاب جنایت اعتراف کرد و گفت که او را به‌خاطر خدا قربانی کرده است. کریستوفر با مادربزرگش ساندرا که معلم ۸۳ساله بازنشسته بود، زندگی می‌کرد و به گفته کارآگاهان، به اسکیزوفرنی مبتلاست. اکنون او در بازداشت به سر می‌برد و به‌زودی محاکمه خواهد شد.

داخلی

قصاص قاتل مأمور پلیس در ساوه

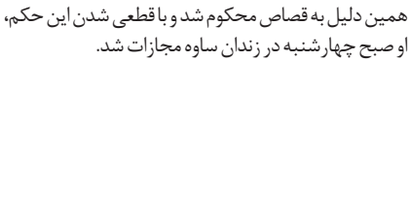

قاچاقچی‌ای که با خودرواش مأمور پلیس را زیر گرفته و او را به شهادت رسانده بود ۱۹ماه پس از این جنایت قصاص شد.
به گزارش همشهری، روز ۹خردادماه سال ۱۴۰۲ مأموران انتظامی شهرستان زرندیه واقع در استان مرکزی در راستای برخورد با قاچاقچیان و ایجاد امنیت در اتوبان تهران- ساوه، با تعدادی از خودروهای شوتی مواجه شدند و شماری از آنها را بازداشت کردند. در این بین، یکی از قاچاقچیان وقتی مأموران را دید با خودرواش یکی از آنها را زیر گرفت و گریخت. در جریان این حادثه، مأمور وظیفه شناس که رسول مهدوی‌پور نام داشت به‌شدت مجروح شد و به بیمارستان انتقال یافت و ساعتی بعد بر اثر شدت جراحات وارده به‌خصوص در ناحیه سر به شهادت رسید. به‌دنبال این حادثه، تلاش‌ها برای دستگیری عامل جنایت آغاز شد و مأموران موفق شدند او را در یکی از استان‌های مجاور دستگیر کنند. او در بازجویی‌های مقدماتی به زیر گرفتن مأمور پلیس اعتراف کرد و در نهایت پرونده با صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان مرکزی فرستاده شد. متهم در همه مراحل رسیدگی و بازسازی صحنه به عمدی‌بودن حادثه اعتراف کرده بود. به همین دلیل به قصاص محکوم شد و با قطعی شدن این حکم، او صبح چهارشنبه در زندان ساوه مجازات شد.

با دستگیری ۱۱۵سارق، ۳۱باند زورگیری، موبایل‌قاپی و سرقت منزل در تهران منهدم شد

شاباش ۵۰۰میلیونی، دزدان را لو داد

گزارش
الهه فراهانی
روزنامه‌نگار

تازه‌ترین عملیات کارآگاهان پلیس آگاهی تهران با دستگیری ۱۱۵مجرم حرفه‌ای و انهدام ۳۱باند سرقت همراه شد. اعضای یکی از باندها، مجرمانی هستند که با حمله به باغ‌ویلای زوج جوانی در جنوب تهران، جنایت سیاهی را رقم زدند. به گزارش همشهری، سردار علی ولیپور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی تهران درباره این عملیات به همشهری گفت: همکاران پرتلاشم با اشراف اطلاعاتی و اقدامات ویژه، موفق شدند ۱۱۵ مجرمی را که در زمینه سرقت منازل، زورگیری و موبایل‌قاپی فعالیت داشتند، دستگیر کنند که با دستگیری این افراد، ۳۱باند سرقت منهدم شد. وی ادامه داد: در بازرسی از مخفیگاه متهمان، حدود ۳۹۷دستگاه گوشی سرقتی، ۵قبضه سلاح جنگی و اموال مسروقه مانند طلا، دلار و سکه نیز کشف شد که تا این لحظه، ارزش اموال مسروقه، بیش از ۷میلیارد تومان برآورد شده است. به گفته سردار گودرزی، پرونده تمامی متهمان دستگیر شده در اختیار مرجع قضایی قرار گرفته و تحقیقات برای شناسایی مالباختگان و بازگرداندن اموال سرقتی ادامه دارد.

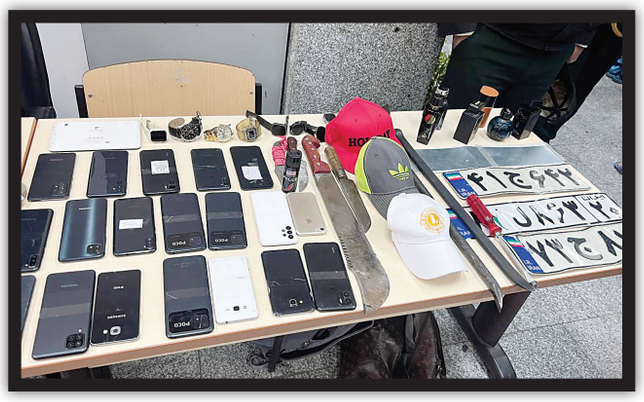

گفت‌وگو ۱

بامداد تلخ زوج جوان

مخوف‌ترین باندی که اعضای آن از سوی کارآگاهان پلیس دستگیر شده‌اند، متشکل از ۹مرد ایرانی، افغانستانی و پاکستانی هستند که بامداد چهاردهم آذر امسال جنایتی هولناک را رقم زدند. آنها به باغ‌ویلایی در حوالی جاده بهشت‌زهرا هجوم بردند و با بستن دست و پای صاحب باغ، همسرش را مورد آزار و اذیت قرار دادند و اموال قیمتی آنها را به سرقت بردند. حالا با گذشت ۲ماه از حادثه، مأموران پلیس آگاهی تهران، متهمان را دستگیر کرده‌اند. شاکی پرونده که در اداره آگاهی حضور دارد، با شناسایی ۳متهم اصلی به همشهری می‌گوید: من و همسرم برای تفریح به باغ‌مان رفته بودیم. ساعت حدود ۲بامداد بود که صدایی شنیدیم. وقتی در را باز کردم با ۹مرد مواجه شدم که چاقو، قمه و شوکر داشتند. آنها دست و پایم را بستند و با تهدید طلا، ساعت و گوشی موبایلم را به سرقت بردند. آنها مقابل چشمان من، همسرم را مورد آزار و اذیت قرار دادند و طلاهای او را نیز به سرقت بردند. همسرم بعد از این اتفاق، دچار مشکلات روحی و روانی شده و تحت‌نظر روانپزشک است. یکی از اعضای این باند قبلا نگهبان ویلای من بود که بعد از مدتی رفت و من به جای او نگهبان دیگری استخدام کردم. آنها موقع ورود به ویلا دست و پای نگهبان باغ را هم بسته بودند. حالا وقتی شنیدم که دستگیر شده‌اند، خودم را به اداره آگاهی رسانده‌ام تا شناسایی‌شان کنم. ۳متهم اصلی این باند کمی آنطرف‌تر از شاکی ایستاده‌اند و سر کرده باند، جزئیات این سرقت مخوف را شرح می‌دهد.

شاکی را از قبل می‌شناختی؟
یکی از اعضای باند که از دوستانم است، او را از قبل می‌شناخت؛ نگهبان باغش بود.
از او کینه داشت؟
نه. اصلا. اتفاقا می‌گفت که صاحب ویلا خیلی هوایش را داشته است. چون خبر داشت وضع مالی خیلی خوبی دارد، به ما معرفی‌اش کرد و نقشه سرقت از آنجا را کشیدیم.
اما نقشه شما فقط سرقت نبود؟
نه. آنطور که شاکی می‌گوید، نیست. ما همسر او را آزار و اذیت نکرده‌ایم. وقتی می‌خواستیم طلاهایش را از دستان و گردنش خارج کنیم، مقاومت کرد و ما ناچار به تهدید او شدیم؛ همین.
اعضای گروه‌تان هم افغانستانی هستند و هم پاکستانی؛ با آنها چطور آشنا شدی؟
دوستانم معرفی کردند؛ مثلا دوستم فلان شخص را می‌شناخت که وقتی آمد، فهمیدم پاکستانی است. اینطوری یک گروه شدیم.
ظاهرا کلی سابقه داری! همه‌اش سرقت است؟
سرقت و یک سابقه معاونت در قتل.
ماجرای قتل چه بود؟
من مرتکب قتل نشدم، اما در جنایت شرکت داشتم. سال ۹۲ با دوستانم حوالی خیابان بافت آباد بودیم که به‌خاطر چشم در چشم شدن با چند نفر درگیر شدیم. من هم چاقو همراهم بود، اما مقتول با ضربه چاقوی دوستم کشته شد. به او قصاص دادند و من به ۸سال حبس محکوم شدم. فکر کنم دوستم قصاص شد، اما من اوایل ۱۴۰۰ و بعد از پایان دوران محکومیتم از زندان آزاد شدم.

گفت‌وگو ۲

به من می‌گفتند سنجاب!

فیلم یکی از سرقت‌هایشان در فضای مجازی پر شده؛ همان فیلمی که نشان می‌دهد سارق از درخت بالا می‌رود، وارد خانه شاکی می‌شود، گاوصندوق را از پنجره به پایین پرت می‌کند و با کمک همدستانش آن را به سرقت می‌برند. مأموران پلیس آگاهی تهران، اعضای این باند را دستگیر کرده‌اند و سر کرده‌اش همان کسی است که به‌راحتی از درخت بالا می‌رود. او جوانی ۲۱ساله است و می‌گوید پارکور کار می‌کند.

چطور وارد خانه‌ها می‌شدی؟
به من می‌گویند سنجاب! می‌دانید چرا؟ چون به‌راحتی از درخت بالا می‌روم و خودم را به طبقات اول یا دوم می‌رسانم. من ورزشکارم و پارکور کار؛ چون ورزشکارم و لاغر هستم، این استعداد را درونم پرورش داده‌ام.
استعداد کار خلاف؟
اشتباه کردم که در راه خلاف خرجش کردم.
با همدستانت چطور آشنا شدی؟
باند ما فامیلی است؛ یکی از آنها برادرم و مابقی پسرعموهایمان هستند.
به چند خانه دستبرد زده‌اید؟
۵ یا ۶ خانه.
بیشترین اموالی که سرقت کرده‌اید، چقدر بود؟
ما می‌رفتیم خانه‌های بالای شهر. خب خودتان که می‌دانید در آن خانه‌ها، پر است از طلا، سکه و دلار. معمولا بالای ۳ یا ۴ میلیارد تومان از هر سرقت گیرمان می‌آمد. در یکی از خانه‌ها، قندان طلایی برداشتیم که خب اصلا به قیافه‌اش نمی‌خورد بالای ۳میلیارد تومان ارزش داشته باشد. راستی یک اتفاق جالب دیگر هم یادم آمد، در یکی از سرقت‌ها، در حالی که سرگرم صحبت با موبایلم بودم، یکی از کشوها را باز کردم و با دلار و یورو میان لباس‌های زنانه مواجه شدم. اصلا نمی‌خواستم در کشو را باز کنم چون به‌دنبال گاوصندوق بودم. درواقع ما دزد گاوصندوق هستیم، اما خب از روی کنجکاوی و شانسی در را باز کردم و با آن همه دلار و یورو مواجه شدم.
گفتی دزد گاوصندوق هستی، چطور در گاوصندوق‌ها را باز و محتویات داخل آنها را سرقت می‌کردید؟
ببینید شرح ما این بود که من از درخت بالا می‌رفتم و از طریق بالکن وارد خانه‌های طبقه اول یا دوم می‌شدم. سپس به جست‌وجو در خانه می‌پرداختم و گاوصندوق را پیدا می‌کردم. خب، این را هم می‌دانید که اکثر اعیان نشین‌ها در خانه‌هایشان گاوصندوق دارند و اموال قیمتی‌شان را درون گاوصندوق قرار می‌دهند. سپس گاوصندوق را از طریق بالکن یا پنجره به پایین پرتاب می‌کردم.
کسی متوجه آن همه سر و صدا نمی‌شد؟
در یک چشم به‌هم زدن انجام می‌دادم. یکی از همدستانم اطراف را می‌پایید و دیگری سوار بر موتور بود. من هم فورا از درخت پایین آمده و گاوصندوق را برمی‌داشتم، ترک موتور می‌نشستم و سپس فرار می‌کردیم.
چطور دستگیر شدید؟
در یک مهمانی در اصفهان بودم. خب، پلیس تهران خیلی زیرک‌تر از این حرف‌هاست و امکان ندارد مجرمی به‌راحتی بتواند فرار کند. هرجا باشد در نهایت گیرش می‌اندازد.

گفت‌وگو ۳

ماجرای مهمانی یک‌میلیاردی و شاباش ۵۰۰میلیونی

اسمش فرید است معروف به «جن». او ۲۷ساله و سر کرده ۲باند سرقت است. او با پول‌های سرقتی، جشن تولدی برای دختر مورد علاقه‌اش گرفت و یک‌میلیارد تومان هزینه کرد. همدستانش با پول‌های سرقتی، ۵۰۰میلیون تومان شاباش بر سر متهم و دختر مورد علاقه‌اش ریختند و در اینستاگرام لایو گرفتند که همین موجب دستگیری‌شان شد. این پسر جوان از جزئیات سرقت‌هایشان می‌گوید.

چرا لقب «جن» به تو داده‌اند؟
چون ۷سال بود که از دست پلیس فرار می‌کردم. فکر می‌کردم دیگر دستگیر نمی‌شوم. برای همین به همه پز می‌دادم که پلیس نمی‌تواند مرا دستگیر کند. من ۲باند سرقت راه انداخته بودم؛ یکی در تهران و دومی شهری دیگر، اما خلافکاران دیگر همیشه می‌گفتند تو خیلی خوش‌شانسی که تا الان دستگیر نشده‌ای. همه آنها بارها دستگیر شده بودند؛ حتی به زندان می‌رفتند و مجددا سرقت می‌کردند و باز پلیس دستگیرشان می‌کرد، اما من ۷سال فراری بودم و آنها به‌خاطر این موضوع لقب «جن» را به من دادند.
چه چیزی سرقت می‌کردید؟
در هر دو باند، کارمان سرقت منزل بود.
چطور خانه‌ها را خالی می‌کردید؟
از طریق بالکن یا تخریب در و توپی زنی. همه‌جا را می‌گشتیم؛ از کمد و کشوها گرفته تا داخل سطل‌های برنج و بخچال و فریزر. حتی داخل گلدان‌ها و بین لباس‌ها را هم می‌گشتیم. باورتان نمی‌شود، یک‌بار من ۲۰تا سکه داخل خورشتی که در فریزر، فریز شده بود، پیدا کردم! یک‌بار هم در خاک گلدان، با مقدار زیادی طلا مواجه شدم.
ماجرای لایو و شاباش ۵۰۰میلیونی چه بود که جنجال به پا کرد و باعث دستگیری شما شد؟
راست می‌گویید. این موضوع خیلی سروصدا به پا کرد. البته جوگیری خودمان بود که موجب شد بعد از ۷سال دستگیر شوم. من با دختری ۲۰ساله دوست شدم که تصمیم گرفتم برای تولدش سنگ تمام بگذارم. یک باغ‌ویلا در ملارد اجاره و بیش از یک‌میلیارد تومان برای مهمانی هزینه کردم. درواقع یک تولد لاکچری و مجلل گرفتم. همه خلافکاران و سابقه‌داران را دعوت کردم. در آن ضیافت شبانه، همدستانم یا بهتر بگویم نوچه‌هایم که با من کار می‌کردند برایم سنگ تمام گذاشتند. درواقع من رئیس‌شان بودم و می‌خواستند برای من خودشیرینی کنند. آنها آن شب ۵۰۰میلیون تومان با پول‌های سرقتی به ما شاباش دادند و اسکناس‌های ۱۰۰ یا ۲۰۰هزار تومانی برای ما ریختند. آن شب همدستانم از مهمانی و شاباش دادن، در اینستاگرام لایو گذاشتند و همین موضوع کار دستمان داد.
با همدستانت چطور آشنا شدی؟
خلافکاران به من معرفی می‌کردند. البته من دختران مختلف را هم از طریق فضای مجازی، شناسایی و استخدام می‌کردم تا طلاهای سرقتی را بفروشند.

آخرین جزئیات از پرونده تتلو

در حالی که در روزهای گذشته اخبار ضدونقیضی درباره صدور حکم اعدام برای امیرحسین مقصودلو معروف به تتلو منتشر شده بود، صبح دیروز سخنگوی قوه قضاییه اعلام کرد که حکم قطعی برای تتلو صادر نشده است.
به گزارش همشهری، اصغر جهانگیر در جریان نشست خبری با خبرنگاران که روز گذشته برگزار شد درباره انتشار خبری مبنی بر صدور حکم اعدام برای تتلو گفت: حکم قطعی برای این فرد صادر نشده و اطلاع‌رسانی همان است که قبلا گفتم.
اظهارات سخنگوی قوه قضاییه در حالی بیان می‌شود که چند روز پیش اخباری درباره صدور حکم اعدام برای تتلو منتشر اما از سوی مرکز رسانه قوه قضاییه تکذیب شد.
البته در اظهارات سخنگوی قوه قضاییه و همچنین تکذیبیه مرکز رسانه قوه قضاییه آمده است که «حکم قطعی» برای تتلو صادر نشده است و این در شرایطی است که تعریف «حکم قطعی» با «حکم غیرقطعی» فرق دارد. حکم قطعی در اصطلاح حقوقی عبارت است از حکمی که به هیچ وجه از روش‌های عادی شکایت قابل تجدیدنظر و واخواهی نباشد. در پرونده تتلو نیز حکمی که دادگاه رسیدگی‌کننده به پرونده صادر می‌کند، «غیرقطعی» است و اگر این حکم در دیوان‌عالی کشور تأیید شود، «حکم قطعی» خواهد شد. تتلو که با اتهام «سب النبی» روبه‌روست، یک‌بار در دادگاه از این اتهام تبرئه شد اما دیوان‌عالی کشور حکم تبرئه را نقض کرد و به این ترتیب وی این بار در شعبه ششم دادگاه کیفری به این اتهام محاکمه شد. عموی تتلو در گفت‌وگو با یکی از رسانه‌ها مدعی شد که قضات شعبه ششم دادگاه کیفری پس از محاکمه برادرزاده‌اش او را به اعدام محکوم کرده‌اند. درصورت صحت ادعای عموی تتلو، این حکم «غیرقطعی» است و با اعتراض متهم، پرونده به دیوان‌عالی کشور ارسال خواهد شد تا در آنجا درباره حکم صادر شده تصمیم‌گیری شود. بنابراین حتی اگر وی در محاکمه دوم به اعدام محکوم شده باشد، این حکم هنوز قطعی نیست و به همین دلیل است که در این روزها صدور حکم قطعی برای تتلو تکذیب شده است.

خبر خوب

فداکاری جوان مراغه‌ای در آتش

پسر جوان وقتی متوجه آتش‌سوزی یکی از کپسول‌های گاز در آشپزخانه حسینیه شد به نخستین نکته‌ای که فکر کرد، نجات جان افراد حاضر در حسینیه بود؛ به همین دلیل کپسول شعله‌ور گاز را در دستانش گرفت و آن را از آنجا خارج کرد. به گزارش همشهری، محمد اکرمی ۱۹ساله ساکن مراغه چند شب قبل در هیأت دلدادگان اباعبدالله حسین(ع) دچار سوختگی شدیدی شد. او آن شب در تکاپو برای آماده‌کردن غذای نذری بود که وارد آشپزخانه شد و دید یکی از کپسول‌های گاز، آتش گرفته است. در نزدیکی این کپسول ۴موتور برق که مخازن‌شان پر از بنزین بود نیز قرار داشتند. محمد وقتی این صحنه را دید ناخودآگاه به یاد افرادی که در حسینیه بودند، افتاد. اگر کپسول گاز و موتوربرق‌ها با آن همه بنزین منفجر می‌شدند، معلوم نبود جان چند نفر در آنجا به خطر می‌افتاد. در این شرایط بود که محمد تصمیم مهمی گرفت. او ناگهان کپسول شعله‌ور شده را در آغوش گرفت و دوان دوان آن را از آشپزخانه بیرون برد. شعله‌های کپسول باعث شد لباس‌های محمد آتش بگیرد. او ۳بار مجبور شد کپسول را زمین بگذارد، اما آن را رها نکرد و با وجود اینکه بدنه کپسول شعله‌ور بود، سرانجام توانست آن را از آنجا خارج کند و جان افراد زیادی را نجات دهد. با این حال خودش دچار سوختگی شدیدی شد. حالا همه در مراغه از فداکاری محمد اکرمی صحبت می‌کنند و از شجاعت او می‌گویند. پسر جوان که دچار جراحت و سوختگی شدیدی شده برای درمان به بیمارستان سینای تبریز منتقل شده و در آنجا تحت درمان قرار دارد.

آموزش

مراقب رسیدسازهای جعلی باشید

کلاهبرداران هر روز از ترفندهای تازه‌ای استفاده می‌کنند و اگر از شگردهای آنان آگاه نباشید، ممکن است دچار دردسر شوید. یکی از تازه‌ترین ترفندهای کلاهبرداران استفاده از رسیدسازهای جعلی است؛ به این شکل که آنها کالایی را از شما خریداری می‌کنند و برای پرداخت پول آن، شماره حساب‌تان را می‌گیرند و دقایقی بعد در رسیدی که نشان می‌دهند پول کالا به‌حساب شما واریز شده، اما چیزی که ارسال شده یک رسید جعلی است. این ترفندی است که متهمی به‌تازگی از آن برای کلاهبرداری از ۱۰۰نفر در تهران استفاده کرد. سردار داوود معظمی گودرزی، رئیس پلیس فتای پایتخت در این‌باره می‌گوید: مدتی پیش شهروندی با مراجعه به پلیس فتا مدعی شد که قصد فروش دستگاه ps5 خود را داشتم؛ به همین دلیل آن را در یکی از سایت‌های داخلی خرید و فروش اجناس دست دوم آگهی کردم. دقایقی پس از آگهی، فردی با من تماس گرفت و بعد از توافق‌کردن، شماره حسابم را گرفت. سپس برای من عکس رسیدی از انتقال وجه ارسال کرد و گفت که من دستگاه را به پیک تحویل دهم. من هم همین کار را کردم، اما بعد از رفتن پیک، متوجه شدم پولی به حسابم نیامده و از من کلاهبرداری شده است. او ادامه می‌دهد: به‌تدریج تعداد شاکیان در این پرونده به ۱۰۰ نفر افزایش یافت و در نهایت متهم دستگیر شد و اعتراف کرد که با استفاده از یک اپلیکیشن رسیدساز جعلی برای فروشنده یک رسید جعلی واریز ارسال کرده است.

انتظامی

بازگشت پیکر ۹شهید مرزبانی پس از ۱۶سال

پیکر ۹شهید مرزبانی فراجا پس از ۱۶سال در بیابان‌های پاکستان کشف و برای خاکسپاری به کشور منتقل شد. به گزارش همشهری، روابط عمومی مرزبانی سیستان و بلوچستان با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد: در ۲۴خرداد ۱۳۸۷ گروهک تروریستی جندالشیطان به سرکردگی عبدالمالک ریگی، توانست با مهره‌های نفوذی و تطمیع یکی از عوامل به داخل پاسگاه شمسر سراوان سیستان و بلوچستان در مرز ایران و پاکستان نفوذ کند و ۱۳ نیروی مرزبانی را گروگان بگیرد. چند روزی از این حادثه گذشت و مسئولان در حال بررسی موضوع بودند که تصاویر لحظات دلخراش شهادت مرزبانان در رسانه‌های ضدانقلاب منتشر شد. ۱۳نظامی بی‌دفاع تیر خلاص خوردند و سر از بدنشان جدا شد و در بیابان‌های داغ پاکستان دفن شدند. شهید محمد پیری، شهید جواد حسن‌زاده، شهید عیسی پودینه، شهید میثم زارع، شهید علیرضا زارع، شهید علی خیده، شهید محسن ایران‌نژاد، شهید رضا راهداری و شهید حسن صفری از جمله شهدای تفحص‌شده مرزبانی فراجا در حادثه پاسگاه شمسر سراوان هستند.